

مدیر کل

جلال الدین الحسینی مؤید الاسلام
صاحب امتیاز روزنامه هفتگی
ویومیة (جبل المتین)

طهران (عنوان مراسلات)
طهران خیابان لاله زار
نام مدیر میرزا سید حسن کاشانی
دبیر آقا سید محمد کاشانی

میزان روزهای جمعه همه روز
طبع و توزیع میشود

کابلین

۱۲۱۱

طهران

قیمت اشتراك سالانه

طهران ۴۰ قران
سایر بلاد داخله ۴۵ قران
روسیه و قفقاز ۱۰۰ مانت
سایر ممالک خارجه ۳۰ فرانک
(قیمت یک نسخه)
در طهران یکصد دینار
سایر بلاد ایران سه شاهی است

قیمت اعلان مطری
دو قران است

روزنامه یومیة ملی آزاد سیاسی اخباری تجاری علمی ادبی مقالات عام المنفعه

با امضا قبول و در انتشارش اداره آزاد است

دو شنبه ۲ ربیع الثانی ۱۳۲۵ هجری قمری و ۱۴ خرداد ماه خالصی ۸۳۹ و ۳ ژانویه ۱۹۰۷ میلادی

(بانك شرقی آلمان)

(در طهران)

مقاله دیروز را جناب آقا میرزا حسین خان منشی
سفارت اطریش و مجارستان که از دانشمندان مملکت
و در عدد اشخاص نمره اول وطن ما محسوب میشوند
مراقوم فرموده اند ما نیز بدون کلمه تصرف درج کردیم
و الحق نهایت دقت را فرموده و کسیت خلمه را در این
مرضوع بخوبی جولان داده اند لکن چون با عقاید
شخصی ما منافی است و فی الحقیقه این مقاله بررد
کلمات ما در نمره سیردهم و چهار دم نوشته شده بر ما
نیز لازم است افکار خود را ضمیمه مقاله جناب منظم
نموده خیالات خام یا بیخه را که در نظر قاصر خودمان
صحیح میاید عرض برسانیم و اگر در انشاء سخن
غنان قلم سرکشی کند از ایشان با کمال احترام استعفاء
غشو داریم

واضح است که نه ما با آلمان و بانک شرقی خصومت
شخصی داریم و نه ایشان خصومت شخصی فقط مقصود
حل این مسئله غایبه است که آراء ارباب سیاست
را تا درجه یریشان نموده است پس مباحثه در این مقام
منافی دوستی نخواهد بود

اولا مراقوم فرموده اند منافع عثمانی از اتحاد با
آلمان زیاد است — خیر چنین نیست عثمانی ازین اتحاد
جز ضرر و زیان فائده نبرد و در عوض آنکه از
دستبرد دول محفوظ بماند بیشتر محال تا اذیت و تاز
دول واقع گردید اگر باور ندارید و قیام که ارتاریخ
۱۸۹۲ که ابتداء دوستی بین این دو دولت است تا اکنون

برای شما یاد داشت کنیم

توضیح این مطلب آنستکه بعد از دوستی عثمانی
با آلمان تعلیمات دولت آلمان عثمانی بنوی کجروی ما
الکلیتاً سکن داشت و کم کم رسوم آلمان در دوائر
دولتی زیاد و از الکیس تقصان یافت و قیام بیدار آلمان
یعنی الکیس داشت که این رشته سر دراز دارد و
شاید بتحریک آلمان عثمانی هوس تصرف مصر و بیرون
کردن قنون الکیس از آن حاکم اند لذا فوراً با تمام
تدابیر مشغول سرگرم کردن عثمانی و ضعیف ساختن
لو گردید از یکطرف یونان را محرک شد و جنگ او را
با عثمانی راه انداخت از طرف دیگر ارامنه را محرک
کردید و داخله مملکت را دچار اختلال ساخت هنوز
این دو مسئله تمام نشده عنوان گریخت کرد و بعد از
مدتها افشاش و زحمتان دولت عثمانی در دم آخر
عنوان از تصرف عثمانی خارج و به برنفس جرج و انگلزار
کرد — هرغ تشنه گرفتار تغییرات فرانسه شد و کشتی
دولت مشار التیه در نزدیکش لشکر انداخت و سفیر
فرانسه اسلابول را ترک کرد بهزار جر تقبل خود را
از چنت فرانسه نجات داد که یسکی دنیا برای
یقین مدارسیکه در حاکم عثمانی دارد بر آنگشته
جهت از جنسکی سمت اسلابول روانه ساخت
بیچاره عثمانی گردن تسلیم خم و سر اطاعت پیش آورد
شورش مکتونیا که بتحریک الکیس و روس بود و قشرا
مسترق نمود بالاخره جهازات دول او را مجبور نمود
که لایحه ملیه را انشاء نموده عمل ان سامان را
بکسیون بین المللی راجع سازد و واضح است که دیگر
استقلال خود را در مکتونیا بخواب هم نخواهد دید —

قبل وفات یمن هم تاحدی اسباب حواس برنی دولت عثمانی شد و او را بخود مشغول ساخت - در این کار و دار انگلیس چنان بنجه خود را در مصر و سودان فرو برد که عثمانی بیچاره که هیچ، فراسه هم از حقوق خود دست کشید و مابوسانه رخت از مصر بیرون کشید - خوب المان در اینهمه وقایع چاکمک و همراهی کرد که بقدر سرسوزنی بحالت عثمانی فائده داشته باشد؟ لابد باید گفت هیچ، زیرا که فقط مساعدت المان همین شد که در مسئله کریت بی طرفی اختیار کرد و کشتی فرستاد آیا واسطه بی طرفی او کریت در دست عثمانی برقرار ماند؟ خیر گرفتند پس اگر هم کشتی فرستاده بود تفاوتی نداشت - حال هم که فرستاد نقای نشد و کسی از ایشان اندیشه نکرد حالا اگر این دوستی را با المان نکرده و با انگلیس بدارا ساوکی میکرد گرفتار اینهمه انقلاب و درد سر نمیشد و این قسمتها از مملکتش مجزی نمیشد و آرامنه در داخله آتوب نمیکردند بلی مقصد المان هم زیاد شد چندین امتیاز گرفت که یکی را آهمن بغداد است و دیگر امتیاز بینه کاری در (آدن) و غیره . . . باز هم متصل خورده فرمایش دارد و مطالبات است که همه روزه اظهار میدارد و اگر در یک مسئله اندکی بر طبق میاش رفتار نشد تغییر و تشدد میکند چنانکه در مسئله اهرم پاشا روی داد -

پس میتوان بطور آسان حدس زد که اگر این اتحاد چند سال دیگر هم محکم و برقرار بماند از عثمانی نام و نشانی تنها باقی خواهد ماند آنهم باشکال - در اینجا بجهت اثبات ادعای خود مقاله را که روزنامه (روود پاریس) بتاریخ نوشته ترجمه میکنیم : روزنامه مزبور چنین میگوید : از ۱۲ الی ۱۵ سال است که عثمانی ترک دوستی انگلیس گفته و عهد نامه جزیره قبرس را رد کرده با وجود اینکه نتیجه این کار آن شد که یک ایالتش مجزی کردید و از دستش بیرون رفت باز هم ترک نکرده است . از سال ۱۸۷۸ تا سال ۱۸۹۲ که انگلیس مداخله در امور عثمانی داشت همیشه میل سلطان را ملاحظه میکرد و تصرفات خود سرانه را جایز نمیدانست انگلیس بدارا رفتار میکرد و زور نمیاورد و خواهش بی اندازه نمیکرد - از سال ۱۸۹۲ دولت معظمه اروپا (فراسه المان روس اطریش ایتالی) راه پیدا کرده صاحب امر ونهی شدند مخصوصاً المان که رسوخ و نفوذش بر همه چربید و تقریباً هر چه دولت از رعیت بظلم و ستم میگرفت بحیب بانکهای پاریس و بران و ونه میریخت و هر یک قسمت خود را دریافت میکردند - عثمانی نه تنها در این مورد نصایح انگلیس را گوی

نداد بلکه منافع خود انگلیس هم بر باد رفت چنانکه از خیالات دول مزبور چنان ظاهر میشد که عثمانی را بتسخیر مصر تشجیع میکردند - لکن انگلیس نزودی در صدد انتقام برآمد و از لندن شروع بتحرک نموده شورش آرامنه و کریت و مکدونیا را سبب شد .

و نه آن است که دولت انگلیس محرک این شورشها باشد بلکه حرکات عبد الحمید خان نیز باعث ترکیب این نارنجک شد انگلیس فقط موشکی آب میداد و آنها را تشجیع میکرد تا رسید بانجا که چشمهای پارلمنتهای اروپا باز شد و دیدند که یک بازی دیلو ماسی غربی در مشرق دایر است بالاخره حال مملکت عثمانی طوری شد که سلطان تحت اراده المان و در حرکات و سکنات خود پیرو دستور او گردید و بعکس رعایا در بی حرف انگلیس رفتند و این فقره اسباب اغتشاش داخلی گردید - از قبه عثمانی مسیحیان بیشتر و جلو تر صدمه کشیدند و مجبور شورش شدند و الان مسلمانان نیز همیده و از حرکات دولت خود مذمت میکنند ارباب مذاهب سائره چون مسلمانان را با خود منفق ندیدند خیل استقلال خود تجزیه خاک خویش از سایر ممالک عثمانی افتادند مسلمانان هم امروزه استبداد سلطان را همه مشاهده کرده تنها (زن ترکها) نیستند که مشت خود را برای سلطان گره کرده اند سایرین نیز که ناموس ملیشان را زیر پا می بینند منزجر میشوند عثمانی های قدیم از این حرکات المان مخصوصاً واسطه مطالباتی که این ایام کرده و میکند زیاد متنفر و ملول شدند این بود مقصود که در روزنامه (روود پاریس) درج شده و شاید دیگر محتاج باقاه برهان برای اثبات مدعی خود نباشیم مع هذا مزیداً لتوضیح این فقره را نیز ضمیمه ادله خود میکنیم که بموجب مندرجات جرائد اروپا عثمانی اینک چند ماهی است که بمضار این اتحاد بی برده و در صدد است که از آلمان بیوند قطع کرده بانگلیس وفرانه که امروزه بدار عالم سیاست آنها است پیوند نماید - اگر چه این کار هم غلط است و برای او عاقبتش زیان است لکن قدری کمتر از اتحاد با آلمان

ثانیاً برای ثبوت و اثبات قدرت آلمان و فائده مرابطه با آن مسئله مراکش را پیش کشیده و دولت اسلامی مغرب اقصی را از برکت افلاس قدسیه آلمان شمرده اند . . . این نیز بکلی اشتباه است چنانکه مقالات روزنامه (المونید) مصری در همان ایام دلالت واضح دارد بلکه بعقیده ما این حرکت بی موقع آلمان حاضر کرد مراکش را از برای اعدام و انشاء ابدی و برقیب فهمانید که هر چه

زود تر باید تدابیر جهت محو آن اتخاذ نمود انهمه هیاهو در اول وسکوت کلی بعد از آن ثابت نمود که ابدآلمان نمیتواند در مراکش جلو گیری از خیالات فرانسه بنماید — البته اغلب کسانیکه به پاتیک آشنا هستند میدانند بعد از استعفای پرنس بیژمارک دولت آلمان در عرض ترقی پتیک روزی روز پتیکش رو با احتیاط گذاشت و رقیب زیر دستش فرانسه بدست یاری میو دلکاه خیالی جلو رفت تا کار بجائی رسید که در خصوص مراکش بعد از آنکه آلمان خواست رجوع بکمیسیون بین الملل شود رسماً انگیس و اسپانیول و غیره کنساره گرفته مداخله خود را منوط بر ضایت دولت فرانسه نمودند و از آن تاریخ تا کنون همان پلانی که انگیس برقات آلمان روز عثمانی آورد فرانسه زیاده تر بروز مراکش آورد حالا که قشون فرانسه داخل خاک مراکش شده و (اجده) را متصرف شده است چرا آلمان مداخله نمیکند؟ حالا که فرانسه مردم را بر ضد سلطان شورانیده چرا آلمان تقویت از پادشاه نمی نماید؟ بیچاره اگر گول آلمان را نخورده بود و بطنججه باستقبال امپراطور نمیشدافت امروز باین روز سیاه نمی نشست که تاج و تختش مشرف براتقل باشد

اگر در این مسئله هم شبهه دارید رفع شبهه شمارا این چند سطر ترجمه از روز نامه (تیس) کافی است روز نامه تیس چنین میگوید

مخبر روز نامه طیس .. از شهر طنجه مینویسد برادر سلطان عزیز پادشاه حلیه مراکش ملاحظه که در جنوب فاس جانشین است از طرف اهالی مراکش بساطی قبول شده است سلطان عزیز با وزیرای نزدیک بعقل خودش مملکت را بحال بی نظم و نظام آورده تفریط و افراط سلطان در مخارج و ورهن گذاشتن گمرک پیش دولت فرانسه و سوء معامله با اهالی فرگستان و رشوت خوردن در امور های دولتی همه اینها اهالی را مجبور نموده است که برای محافظت نمودن شرف اسلامی و منافع خود تدابیر اتخاذ کند

ملاحظه در سن سی ساله بوده از برادر خودش سلطان عزیز دوسه سال بزرگ تراست و شخصی است صاحب متانت و از جمله عرفای آن سامان محسوب میشود و حسن مناسبات با هر کسها دارد در وقت کشته شدن یکفر فرنگی باسم موشان تدابیر فوق العاده اتخاذ نموده جنایت های مهم را ختام داد ملا حافظ در میان اعراب آدم عالم حساب میشود بتاريخ خود مراکش و بتاريخ جمیع ملل کمال آشنائی دارد تفصیلات حادثاتیکه اخیراً در مراکش وقوع یافته حالا تماماً معلوم نیست بنا بر خبر دادن مخبر

تیس ملا حافظ طرفدار اهالی مراکش است اگر می الحقیقه مشار الیه سلطان باشد مملکت فاس راحتی و سکونتی پیدا خواهد کرد وی نظم و نظامها باخر رسید چنانکه از تلفرا فهای اخیر معلوم میشود قبایل بزرگ از طرف خود يك نفر نماینده منتخب نموده پیش ملا حافظ فرستاده اند و اظهار نموده اند که قبایل بعد از این بسططان عزیز تابع نیستند و فرمان بردار مشار الیه هستند بهر صورت تمامی اخبارات اخیره این را اثبات میکند که جنوب فاس بکلی از دست سلطان عزیز رفته است و تابع ملا حافظ شده است

ثالثاً فرموده اند هر چه مدعی بیشتر باشد تراسم و ما در بین کشمکش آنها جان بسلاست میبریم . . . این امر نیز اگر چه درالسنه واقعه خیلی مشتمل است ولی بمقیسه ما بکلی بی اصل و بی ماخذ است بلی اگر نزاع دول در سر یک نقطه معینه غیر قابل تقسیم باشد این حرف را میتوان تا درجه قبول نمود مثل اسلامبول که این شهر شهر دارای اهمیت زیاد است و چون قابل تقسیم نیست ممکن است چندی بهمین حسالت باقی بماند ولی در ممالک دیگر این حکم صحیح نیست: توضیح آنکه امیرر دول عالم همه طالب مداخله اند واز هر کار پول میخواهند جنگ و صلحشان همه مبتنی بر امر تجارت است و در هر مملکی که رسوخ تجارتی پیدا کردند و یقین نمودند که تجارتش مخصوص خودشان است چندان اهمیتی در تسخیر و گرفتن سلطنت آن ندارند بحکومت خود آن راضی میشوند و حتی الامکان اسم سلطنت را از خود آنها بر نمی دارند و تا وقتی که رخنه تجارتشان وارد نیاید نام سلطنت را از آنها خلع نمیکنند چنانکه انگیس با عده از ممالک ضعیفه این نوع ساؤک میکنند خوب برای تسخیر ایران میشود گفت چون مدعی در مقابل دارد اقدام نمیکنند یا بواسطه اندک قوتی که در خود مملکت است یا بی نمیشود ولی بحرین که يك جزیره پیش نیست و مدعی حسای هم در مقابل انگیس نایستاده چرا آن نقطه را تسخیر نمیکنند؟ ترانسوال را که گرفت چرا دوباره آزاد کرد؟ بجهت آنکه رشته تجارت و مداخلش را در دست گرفت دیگر جهت ندارد برای اسم درد سر برای خود بخرد همینکه معاهده با افغانستان بست و یقین نمود که روس را بان مملکت ادنی علاقه باقی نیست سلطنت را بخودشان واگذار کرد — حتی همین دولت روس که بالنسبه از همه شدید العمل تراست بخارا و خیره را بخودشان واگذار کرده بفوائد تجارتی که مخصوص خود قرار داده قناعت نمود — گمان من اینست که اگر اهالی هند شورش نکرده بودند کارشان باین درجه نمیرسید —

این در صورتیست که مطمئن با اختصاص تجارتش بخود باشد دولی در صورتیکه رقیب مقابل دینند متصل سعی میکنند اسلک را مسخر کنند و حرف را دست خالی بگذارند پس اگر قوت یکی از رقباء بردیگری چربید مملکت را گرفته و تصاحب میکند و الا فترأ تقسیم میشود منتهی شکل تقسیم این نیست که از روز اول نصف را این یکی برده نیم دیگر را آن یک بردارد بلکه اول يك امتیاز این میگیرد یکی هم آن و عکساً بگمراه را این بیسازد راه دیگر را آن و هکذا يك وقتی ملت میشود که تمام امور مملکت و رشته ثروت در دست این دو رقیب افتاده است

یکی از جراند چندی قبل نوشته بود چند صورتی است که کون بر حالت استقلال داخلی باقی مانده اند مثل سلطنت نظام دکن و غیره علتش آنستکه گول فرانسه را نخوردند دولی بعضی دیگر که محل رقابت انگلیس و فرانسه واقع شدند تا کس مجبور شد آنها را تسخیر کند و نام سلطنت را از بین شان بر دارد تا فرانسه مابوس شده دست بکشد (بقیه در نمره آتی)

خلاصه مذاکرات مجلس دار الشوری

شنبه ۱۹ شهر ربیع الثانی

بعد از انعقاد مجلس لایحه جناب وکیل التجار قرائت نمودند در خصوص حرکات شاهزاده سالار الدوله که امروزه این حرکات او خوب واضح و آشکار شد البته وکلای این مجلس همانطور که حاضر و غایبند از برای حفظ حقوق ملت همان نحو ایستاده اند که تا آخر نفس دوام و استقرار سلطنت را از برای وارث بالاستحقاق آن اعلیحضرت محمد علی شاه یعنی و برقرار بدارند و تا فطره خون در بدن دارند نگذارند که احدی حرکت بر خلاف حقوق سلطنت نماید و کشته شدن از برای ما بشری خوشتر است از زیستن سنگ بعد صورت تلگرافی که فرار شد از طرف مجلس با شاهزاده معلم مخایره خود قرائت شد قریب باین مضمون که پدر تاجدار شاهنشاه مبرور حق عظیمی برگردن این ملت گذارده و باید در ازای این نعمت بزرگ دودمان سلطنت خصوص از انشاء عظام آن همه قسم تشکر و امتنان داشته و بدریم اکنون مجلس محترم چنین متمنی است که حضرت والا در کمال اطمینان تشریف فرمای طهران شوند و از همه جهت بجمعیت خواطر مطمئن باشند که اگر کار گذاران ایشان حرکت خلاصی سر زده چشم پوشی و صرف نظر خواهد شد هرگاه این اظهارات مجلس مقبول نشود لابد مجلس و ملت ناچارند در رفع و دفع حرکتی که بر خلاف قانون و نظم مملکت است

جمعی تصدیق داشتند که این تلگراف لازم است بعضی را در اصل تلگراف سخنی نبود بر استدعا و اطمینان از طرف مجلس اعتراض داشتند قرار شد که در کمیسیون تفحص شده مخایره شود

مذاکره از این شد که در این باب از طرف وزرا اقدامات لازمه نشده و سردار هائی که برای این مسئله مشخص میشوند در ظاهر قبول کرده میروند استعفا میدهند آخر نه اینها کسانی هستند که سالیان دراز مال ملت و دولت را خوردند و هیچ خدمتی نکردند اگر قانون باشد باید این اشخاص بعد از سلب از شئونات به مجازات برسند گفته آنها هم در موقع لزوم البته خواهند اقدام کرد

مذاکره شد که خوبست از طرف مجلس بانجمنهای ولایات و ایالات تلگرافی شود که توهم نرود این حرکت سالار الدوله از جهت عدم اتحاد بین مجلس و دولت است فقط این حرکت از طرفیان است و بر ملت است که بهر نحو جلوگیری و رفع این اختلالات را بنماید صحبت از قانون اساسی بمیان آمد گفتند هنوز محل نقد و دقت هست و شاید این مسائل مختلف فیها انحلاش منجر بشود برفتن نزد علماء نجف پس نباید در اینگونه امور زیاد تعجیل کرد البته هر چه دقت بیشتر بشود محکم تر خواهد شد بعضی اظهار داشتند که این مسائل اصول و فروع اجتهادیه نیست تا دقت و حجت علماء نجف بخورد میزان موافقت و مخالفت یا قوانین و احکام شرعیه را همه کس واقف علاوه در اینگونه از امور که ملاحظاتی مقتضیات وقت و مطابقت مفیده با مصلحت لازم و واجب است معلوم نیست که دقت علماء اینجا کمتر از علماء نجف باشد اکثر زیاده باشد پس گذشتن از نظر ایشان کافی است بعضی اظهار داشتند که ما جمله در اینجا نشسته ایم مقلد هستیم و بحکم الا علم فالاعلم مقلد علمای نجف میباشیم این حرف چنین میرساند که آنها اعلم نیستند چنین مطلب بزرگی را یا ثابت باید کرد و گره اعتراف بخطا باید بشود یا اعتذار از آنچه گفته شد بعد قدری از طمانانه وزارت عدلیه قرائت شد (و مجلس ختم شد)

اعلان

يك قطعه باغ مشجر واقعه در خیابان منیریه جنب آیریه که تقریباً چهارده هزار ذرع است بقیمت عادلانه بفروش میرسد تمام یا نصف انرا هر کس بخواهد در بازار چه نثار خندق با معتمد السلطان میرزا حسین خن خیاط باشی مذاکره نماید

حسن الحسینی الکاظمی